

محیط زیست در جبران



اوضاع کره زمین خوب نیست، تغییرات اقلیمی، گرم شدن زمین، تولید روزافزون گازهای گلخانه‌ای، کمبود آب شیرین، بیابان‌زایی و از دست رفتن خاک‌های مرغوب، جنگل‌زدایی و نابودی تنوع زیستی در کنار تهدید محیط‌زیست دریایی، تنها بخشی از خسارات جبران‌ناپذیر وارد شده به محیط‌زیست کره زمین در صد سال اخیر است.

جام جم آنلاین: اوضاع کره زمین خوب نیست، تغییرات اقلیمی، گرم شدن زمین، تولید روزافزون گازهای گلخانه‌ای، کمبود آب شیرین، بیابان‌زایی و از دست رفتن خاک‌های مرغوب، جنگل‌زدایی و نابودی تنوع زیستی در کنار تهدید محیط‌زیست دریایی، تنها بخشی از خسارات جبران‌ناپذیر وارد شده به محیط‌زیست کره زمین در صد سال اخیر است.

تخریبی که البته ما ایرانی‌ها نیز در آن نقش داریم؛ آمارها در مورد میزان تخریب خاک، آلودگی منابع آب، از میان رفتن گونه‌های گیاهی و جانوری و وضع محیط‌های زیست دریایی در کشور نیز به هیچ وجه امیدوارکننده نیست.

طبق آمار سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری، فرسایش خاک در ایران سه برابر شاخص جهانی است و در حال حاضر سالانه 2 میلیارد تن از خاک کشور به علت فرسایش نابود می‌شود. این در حالی است که اعداد و ارقام می‌گویند در 40 سال گذشته وسعت جنگل‌های ایران حدود یک میلیون هکتار کاهش یافته است. همین وضعیت در خصوص آب‌های کشورمان بویژه تالاب‌ها نیز صادق است. امروزه ورود فاضلاب‌های شهری و صنعتی از ساحل به دریا یکی از معضلات عمده دریای خزر است که حفاری و اکتشاف در عمق دریا، تخلیه مواد زاید و سمی در آن و آلودگی ناشی از کشتی‌ها به آن دامن می‌زند. همین تهدیدات زیست‌محیطی در خزر است که سبب شده نسل ماهیان خاویاری این دریا که از عصر ژوراسیک در آن ساکن بوده‌اند، با تهدید مواجه شود. به گفته برخی منابع، اکنون بیش از 90 درصد ذخایر ماهیان خاویاری دریای خزر نابود شده است.

دریاهایی با رنگ و طعم نفت و فاضلاب

مدیر گروه دریایی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات در خصوص عوامل مخرب محیط‌زیست دریا می‌گوید: عوامل طبیعی در تخریب مناطق ساحلی ایران نقش چندانی ندارد و در واقع علت اصلی تخریب منابع و سلامت آب دریا در کشور ما عامل انسانی است.

محمد رضا فاطمی در گفت‌وگو با جام‌جم می‌افزاید: از بین بردن سواحل به منظور احداث سازه‌های دریایی مثل بندر، سکوهایی پهلوگیری، ایجاد بلوارهای ساحلی، احداث صنایع دریایی مثل صنایع پتروشیمی، ایجاد صنایع و فعالیت‌هایی به منظور توسعه گردشگری در کنار سواحل و غیره از جمله موارد تخریب فیزیکی سواحل و دریاهاست که لطمه‌های جبران‌ناپذیری به دریا و سواحل آن وارد کرده است.

وی ورود نفت، فاضلاب‌های شهری و صنعتی، انواع کودهای شیمیایی و سموم دفع آفات را نیز از جمله آلاینده‌های شیمیایی دریاهای شمال و جنوب کشور عنوان می‌کند و می‌گوید: استخراج نفت از خشکی و دریا به دلیل تراوش دائمی در اطراف سکوهایی نفتی، سالانه هزاران تن نفت را وارد دریا می‌کند. کودهای شیمیایی و آفت‌کش‌هایی مانند سم د.د.ت نیز که استفاده از آن سال‌هاست در دنیا منسوخ شده، به‌وفور در مزارع استفاده و از طریق رودخانه‌ها وارد دریای خزر می‌شود. به گفته فاطمی، براساس تحقیقات سازمان محیط زیست، آلودگی میکروبی در دریای خزر به خاطر ورود انواع آلاینده‌ها بسیار بالا و بیش از صدها برابر میزان استاندارد جهانی است. آلودگی‌هایی که نه تنها زندگی و سلامت آبزیان را تهدید و پدیده‌های خطرناک طبیعی مانند کشند سرخ را تشدید می‌کند، بلکه به طور مستقیم بر سلامت خود ما نیز تاثیر می‌گذارد. عمق این فاجعه شاید زمانی برای ما محسوس باشد که کارشناسان از خطرناک بودن شنا در این دریای زیبا خبر می‌دهند و درباره ابتلا به انواع بیماری‌های پوستی، قارچی و عفونی هشدار می‌دهند؛ زنگ خطری که چند سالی است به صدا درآمده است.

خشکی‌هایی که خشک‌تر می‌شود

مناطق غیرساحلی و دریایی یعنی محیط خشکی که شامل زمین، هوا و محیط آبی درون خشکی مانند رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و تالاب‌هاست نیز در سال‌های اخیر زخم‌ها و تخریب‌های گسترده‌ای را بر پیکره خود دیده‌اند. عمده تخریب‌های این بخش نیز شامل نابودی جنگل‌ها، کاهش و نابودی منابع آبی، آلودگی زمین به دلیل انباشت زباله‌ها و شیرابه آنها و آلودگی هوا از بین رفتن هوای پاک و سالم است که تمام آنها روند افزایشی دارد.

مدیر گروه دریای دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، اگرچه نقش عوامل طبیعی مانند کاهش بارندگی و خشکسالی را در تهدید این منابع بی‌تاثیر نمی‌داند، اما سهم کمی برای آن قائل است. به گفته فاطمی، میزان بارندگی در کشور از 50 سال گذشته تاکنون در حال کم شدن است و احتمالاً تا 30 سال آینده نیز به نصف میزان کنونی خواهد رسید. با این حال، تاثیر این عامل نسبت به عامل انسانی در تخریب منابع آبی تنها 10 درصد است و 90 درصد علت تخریبات محیط خشکی دخالت غیراصولی انسان است.

وی احداث سد روی منابع آبی را عامل اصلی نابودی تالاب‌ها، دریاچه‌ها و همچنین مزارع و کشاورزی برخی مناطق عنوان می‌کند و می‌گوید: آسیب و لطمه‌ای که احداث یک سد به یک حوضه آبی وارد می‌کند، نسبت به کاهش بارندگی در آن حوضه بسیار بیشتر و سریع‌تر است، چنانچه احداث چهار سد روی کارون - رودخانه‌ای را که روزی در آن کشتیرانی صورت می‌گرفت - امروز تبدیل به یک رودخانه نسبتاً خشک کرده که حاوی فاضلاب شهر اهواز است. به عقیده این استاد دانشگاه، تخریب مناطق جنگلی نیز که عمده آن در شمال کشور (جنگل‌های هیرکانی) و غرب (جنگل‌های بلوط زاگرس) است در دهه‌های اخیر شتاب بیشتری گرفته است، به طوری که در 50 سال گذشته یک سوم جنگل‌های ایران از بین رفته است.

مقصر کیست؟

فاطمی اگرچه سهل‌انگاری و دخالت غیراصولی ساکنان مناطق ساحلی و جنگلی را در تخریب این مناطق بی‌تاثیر نمی‌داند، اما تهدید اصلی را رعایت نکردن ضوابط زیست‌محیطی توسط مدیران و برنامه‌ریزان عنوان می‌کند و می‌گوید: متأسفانه این اتفاقات آگاهانه و با وجود سواد زیست‌محیطی مدیران رخ می‌دهد و هیچ اراده‌ای نیز برای مقابله با این تخلفات زیست‌محیطی وجود ندارد.

او با بیان این که طرح بسیاری از پروژه‌هایی که به تخریب محیط‌زیست می‌انجامد، تحت عنوان پروژه ملی در سطوح بالای مدیریت کشور به تصویب می‌رسد، می‌افزاید: سازمان محیط‌زیست نیز چون بخشی از این نظام مدیریتی و جزئی از اجزای دولت است، عملاً توان مقابله با این تصمیمات را ندارد و باید به نوعی با آنها کنار بیاید و سازش کند.

این کارشناس و استاد دانشگاه معتقد است تنها راه مقابله با این شیوه غلط و پایان این تخریب‌ها، تغییر جایگاه قانونی محیط‌زیست از قوه مقننه به قوه قضاییه و نظارت، بازخواست و برخورد قهریه با عوامل مرتبط با پروژه‌های مخرب محیط‌زیست است.

اگرچه اوضاع محیط‌زیست در سراسر دنیا نگران‌کننده است، اما کشورهایی هم وجود دارد که با برنامه‌های جامع پیشگیری و درمان به احیای مناطق از دست‌رفته خود شتافته‌اند و در حالی که در کشور ما جنگل‌هایی پرفدتم برای ساخت خانه و ویلا و جاده هر روز بیش از گذشته تخریب و نابود می‌شود تا گستره بیابان‌هایمان را وسعت ببخشد، این کشورها مناطق بیابانی خود را تبدیل به جنگل کرده‌اند.

به گفته کارشناسان، کشورهای اروپایی و توسعه‌یافته، تجربه کنونی ما را سال‌ها پیش پشت‌سر گذاشته و به اشتباهات خود پی برده‌اند. این کشورها درصد جبران برآمده و در حال پیشگیری و ترمیم مناطق تخریب‌شده خود هستند.

در کشورهای در حال توسعه مانند مالزی و اندونزی نیز در سال‌های اخیر برای موضوع محیط‌زیست اهمیت ویژه‌ای قائل شده‌اند، اما ایران تنها کشور در حال توسعه‌ای است که این موضوع حیاتی را چندان در برنامه‌ریزی‌های استراتژیک خود لحاظ نمی‌کند. مدیر گروه دریای دانشگاه علوم و تحقیقات عملکرد ایران را در این زمینه بسیار پایین‌تر از سطح جهانی ارزیابی می‌کند و می‌گوید: در واقع دخالت بیش از اندازه ما در طبیعت باعث شده این موجود به قدری ضعیف و رنجور شود که حتی توان مقاومت در برابر آسیب‌های طبیعی را نیز از دست بدهد.

به گفته فاطمی، تخریب محیط‌زیست در ده سال اخیر در کشور ما بسیار گسترده و نگران‌کننده بوده است و در حال حاضر هر سال ده درصد از منابع طبیعی ما تخریب می‌شود که این به آن معناست که پس از گذشت ده سال صد درصد منابع طبیعی ما نابود خواهد شد. این در حالی است که هیچ اقدام موثری از سوی مسئولان در این زمینه انجام نمی‌گیرد، اتفاقی که بسیار نگران‌کننده به نظر می‌رسد.

فاطمه مرادزاده / گروه ایران